

چهار هزار سال در چند مقاله

- ۳ -

در شماره پیشین دیده ایم که ملت ایران نخست در نواحی شمال شرقی ایران دولتهائی محلی بوسیله امرا و رؤسای مقتدر قبایل و نواحی تشکیل داد که آخرین آنان یعنی کی گشتاسپ (گوی و یشتاسپ) معاصر زرتشت بوده و در حدود ده الهی یازده قرن قبل از میلاد میزیسته است. اما دولتهای غربی و جنوبی ایران مدتها بعد از این تاریخ تشکیل یافت و نخستین آنها دولت فیرومند ماد است که از اوایل قرن هفتم بدست « دیاکو » (دیو کس یونانیان) تشکیل شد و در اواخر این قرن چنان قدرت یافت که دولت مقتدر آشور را از پای در آورد (۶۰۵ ق. م) فاتح آشور یعنی « هووخ شتر » بزرگترین پادشاه ماد است که در طول مدت حکومت خویش سرزمین ماد را از دو صیبت بزرگ، نخست حملات شدید قوم سکا (۱) و دوم دیبانه خطری که همواره از جانب دولت آشور متوجه آن بود، رهانید. فتح آشور در دنیای آنروز حائز مهمترین درجات اهمیت بود زیرا دولت آشور در آن هنگام قویترین دولتهای آسیای علیا و حائز مقام و مرتبه بلندی در میان دولتهای این سامان بود و غلبه ایران بر آن باعث شهرت ماد گردید و این دولت باسانی توانست ممالک جدیدی مانند ارمینستان و کاپادوکیه (۲) و قسمت علیای رود دجله را در تصرف آورد و سپس بدولت لیدی جمله برد و حد دولت ماد را بکنار قره ایرماق (هالیس) برساند.

دولت ماد پس از هووخ شتر در عهد آستوا آگس (۳) (ابخ تووی گو) (۴) بر اثر ظهور یکی از بزرگترین مردان تاریخ جهان یعنی کوروش بزرگ (۵) در ۵۵۰ قبل از میلاد منقرض و جزء دولت پارس گردید.

۱- در دوره هووخ شتر این قوم از جانب جبال قفقاز بر سرزمین ماد هجوم کرده و بقتل و غارت پرداخته بودند.

۲- از نواحی معروف آسیای صغیر

۳- Astyages

۴- Ychtuvigu

۵- کوروش پسر کبوجیه و او پسر کوروش و او پسر چشپش و او پسر کوروش و او پسر کبوجیه و او پسر چشپش و او پسر کوروش بود و دودمان وی از عهد هخامنش بر پارس حکومت داشتند.



اعلیحضرت همایونی در مراسم افتتاح دبستانهای نوبنیاد حشمتیه



اعلیحضرت همایونی در باشگاه لشکر دوم مرکز عملیات ورزشکاران را
مشاهده میفرمایند



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تشکیل دولت پارس مهم‌ترین واقعه تاریخ ایرانست زیرا با این امر ایران متحد نیرومندی پدید آمد که باسانی تمام قبایل و طوایف آریائی ایران را بر گرد هم مجتمع ساخت و ملت تازه نفس و مقتدر ایرانرا فرصت فتح ممالک و تشکیل شاهنشاهی وسیع بی سابقه‌ای بخشید.

این دولت که از سال ۵۵۰ تا ۳۳۰ قبل از میلاد بر قسمت بزرگی از دنیای متمدن قدیم یعنی از نواحی شرقی هندوستان و آسیای مرکزی تا ممالک شمالی افریقا و سواحل این قاره در بحر احمر و تمام بالکان تا داخله شبه جزیره یونان، فرمانروائی میکرد، بزرگترین شاهنشاهی است که در تمام دوره تاریخ ایران وجود یافته و ملل مختلفی را در امن و رفاه و آزادی زیر سایه لوای خود داشته است. نخستین موضوعی که در حین تشکیل این امپراطوری انظار محققین را بخود متوجه میسازد موضوع احترام با آزادی عقاید دینی و رسوم ملی است که نژاد ایرانی برای تمام ملل مغلوب رعایت میکرده است. پیش از این تاریخ تمام ملل کشور گشای آن روز کار مانند مصر و بابل و عیلام و آشور و نظایر آنها چون بر کشوری دست می یافتند در نهایت شدت با مردم آن رفتار میکردند و خود را حاکم بر مال و جان آنان میدانستند و حتی از باب انواع ایشان را نیز باسارت میبردند و اینگونه اعمال را موجب رضایت خدایان خود از خویشتر می پنداشتند. اما وقتی که عالمیان نخستین بار با اعمال جوانمردانه کوروش شاهنشاه بزرگ همخانگی و دوستی شدند، بحیرت افتادند و در برابر آزادی که برای آنان آزادی و رفاه بارمغان می آورد در سربارادت و فرمانبرداری خم کردند. کوروش پس از تسلط بر لیدی نه تنها کوروش پادشاه آنجا را بجان زینهار داد بلکه او را با نهایت لطف و محبت در شمار درباریان و اطرافیان خویش در آورد و چنان مردانه با او رفتار کرد که دشمن قدیم در شمار دوستان فدائی شاهنشاه در آمد و در خدمت او و فرزندش کمبوجیه (کامبوزیا) از جمله مشاورین معتمد گشت. عظمت روح ایرانیان هنگام تسلط آنان در سال ۵۳۸ قبل از میلاد بر کشور بابل بیش از پیش آشکار شد. کوروش هنگام فتح بابل با ساکنین آن چنان بمهربانی رفتار کرد که گفتمنی فاتح پارسی یکی از فاتحین بابلی است که از سفر جنگی خود بشهر باز میگردد. وی در معبد بابل برسم پادشاهان بابلی تاج بر سر نهاد و دست رب النوع بزرگ این شهر را در دست گرفت و مقام مراسم دینی و معتقدات بابلیان را محترم داشت و با اعمال خویش مایه تسکین دل‌های بابلیان و شکفتنی و حیرت آنان گردید.

يك كار بزرگ ديگر شاهنشاه پارسی رفتار مردانه او باچهل و نه هزار تن از اسيران قوم بنی اسرائیل است در بابل. این اسيران که از عهد بخت النصر بباب آمده و در آنجا بعنف مستقر شده بودند، بفرمان کوروش همه اموال غارت شده خود را به بیت المقدس باز بردند و با کمک های مادی پادشاه هخامنشی به تجدید و تعمیر معابد خویش در آنجا همت گماشتند و بهمین سبب کوروش چون مردی نجات بخش و فرستاده خداوند در نزد بنی اسرائیل شمرده شد.

این اعمال که نظایر آن از دیگر شاهنشاهان هخامنشی خاصه داریوش کبیر نیز بکرات مشاهده شد، در دنیائی که آتش جهل و تعصب و خونریزی و قتل و غارت از آن زبانه می کشید بقدری بدیع و عجیب بود که برخی آنها را نمونه هائی از اعمال برگزیدگان خداوند و ارباب انواع میدانستند و این نخستین دلیل عظمت و علو روح نژاد ایرانیست که در صفحات تاریخ با خطوط جلی ثبت شده و مایه مباهات و سربلندی ماست.

وسعت ممالک هخامنشی در عهد داریوش بنهایت حد رسیده و حدود آن بشرح ذیل بوده است:

از سمت مغرب: قرطاجنه و تونس و مصر تا حبشه و سومالی در افریقا و حمیر یعنی یمن در عربستان و مقدونیه و سواحل دانوب و تمام شبه جزیره بالکان در اروپا.

از سمت شمال: تمام سواحل جنوبی دریای سیاه و کوه قفقاز و دریای خزر و اراضی میان دریای خزر و دریای آرال (دریاچه خوارزم) و اراضی شرقی آرال تا قسمتی از نواحی سیبری

از سمت مشرق: نجدهای پامیر و دره پنجاب و آنسوی رودخانه سند تا ساحل بحر عمان.

از سمت جنوب: بحر عمان و خلیج فارس و نواحی شمالی جزیره العرب (آر بای) تا شبه جزیره سینا.

اداره این ممالک وسیع و شاهنشاهی بزرگ تنها با داشتن تشکیلات منظم و بی سابقه ای ممکن بود که ملت ایران مبتکر آن بوده است و همین تشکیلات و نظام کم نظیر اداری است که توانست یکی از بزرگترین امپراطوریهای جهان را در مدتی بیش از دوست سال در نهایت قدرت نگاهبانی کند.

در باب تشکیلات اداری ایرانیان در عهد هخامنشی و تمدن ایرانی پیش از استیلای اسکندر، از برای عبرت نسل حاضر، در شماره دیگر سخن خواهیم گفت.